

فاطمه و علی محمد رادمنش بازیگران مجموعه نمایش کبوترانه در کاروان هنری «روایت حبیب» از خاطرات و استقبال مردم در شهرهای مختلف می‌گوید

چند روایت معتبر از فرمانده محبوب

مجموعه نمایش‌های «کبوترانه» یکی از بخش‌های کاروان هنری «روایت حبیب» بود که در شهرهای مختلف کشور اجرا شد و روز شهادت شهید سلیمانی به تهران رسید. بازیگران این نمایش‌ها «فاطمه رادمنش» و «علی محمد رادمنش» و «رستا رضوی» بودند. «فاطمه رادمنش» کارگردان و بازیگر مشاور مجموعه نمایش‌های کبوترانه برنده ده‌ها دیپلم افتخار و تندیس در رشته‌های نویسندگی، کارگردانی و بازیگری از جشنواره‌های تئاتر سراسری است اما مخاطبان او را بیشتر از اجرای تحسین برانگیزش در برنامه تلویزیونی عصر جدید می‌شناسند که با اجرای نمایشی بخشی از کتاب «آن ۲۳ نفر» اثر «احمد یوسف‌زاده» مورد تحسین اهالی هنر و مردم قرار گرفت.



نوشتن نمایش

رادمنش با اشاره به اینکه ما برای کاروان هنری «روایت حبیب» ۱۰ نمایش آماده کرده بودیم که چند نمایش از جمله نمایش «ننه قاسم» بیشتر از بقیه مورد استقبال قرار گرفت، می‌گوید: «نوشتن و آماده کردن این نمایش‌ها حدود یک ماه و نیم طول کشید. البته بعضی قصه‌ها را آماده داشتیم و بقیه را با مطالعه و پژوهش آماده کردیم. برای نوشتن این نمایش‌ها از کتاب «شاید پیش از اذان صبح» نوشته «احمد یوسف‌زاده» که روایت یوسف‌زاده از حاج قاسم است، کمک گرفتیم. این نمایش‌ها مستقیماً در مورد سردار نیست بلکه درباره شخصیت‌های مرتبط با ایشان است.»

فرمانده محبوب

این بازیگر با اشاره به اینکه سردار سلیمانی شخصیت کارزماتیک و محبوب ملی بود می‌گوید: «ما در نمایش‌هایی که در روایت حبیب اجرا می‌کردیم، بعدهایی از شخصیت سردار سلیمانی را که مردم نمی‌شناختند، نشان می‌دادیم و سعی کردیم نمایش‌ها را به گونه‌ای کار کنیم که باورپذیر باشد و زوایای پنهان شخصیت ایشان را به مردم بشناسانیم. در پژوهش‌هایی که برای نوشتن این نمایش‌ها داشتیم به خصایص منحصره فردی برخوردیم. بهترین خصیصه سردار این بود که به‌عنوان یک فرمانده خانواده‌های سربازانش را بعد از شهادت رها نمی‌کرد. هر چند این شهدا برای آرمان مقدسشان جانشان را فدا کرده‌اند اما هر چه باشد اینها پاره تن خانواده‌هایشان بودند و دلتنگ عزیزشان می‌شوند. سردار سلیمانی رابطه‌اش را با خانواده سربازان شهیدش همچنان ادامه می‌داد و این کار یک‌جور امنیت روانی برای خانواده شهدا ایجاد می‌کرد. همین خصلت‌های خوب سردار بود که از او به‌عنوان فرمانده تمام‌عیار می‌ساخت.»

استقبال بی‌نظیر از نمایش‌ها

فاطمه رادمنش از بازخوردهایی که از اجرای



تخیل نبود. مادر نمایش‌هایمان شعار نمی‌دادیم و خوبی‌های حاج قاسم را در بوق و کرنا نمی‌کردیم فقط مثلاً ارتباط یک مادر با حاج قاسم را نشان می‌دادیم که همه اینها ساده و بدور شعار بود.»

اشکی که بند نمی‌آمد

این همراه همیشه‌گی کاروان حبیب، خاطراتش در کاروان حبیب را این‌طور تعریف می‌کند: «چهارم دی در زاهدان اجرا داشتیم، از سوم تا ۵ دی سالگرد شروع عملیات کربلای ۴ است و من این شهدای مظلوم را عمیقاً دوست دارم و انگار این شهدا جور دیگری برای من عزیزند. ۴ دی که اجرا داشتیم در دلم این اجراها را به شهدای کربلای ۴ که مظلومانه شهید شدند، تقدیم کردم. بعد از ۲۱ سال کار تئاتر، هر چه تلاش کردم اشکم بند نمی‌آمد! در عمیق‌ترین احساس ممکن فرو رفته بودم. کلی آب خوردم تا از نقش بیرون بیایم. هر چند از لحاظ حرفه‌ای این کار غیر حرفه‌ای به حساب می‌آید و اگر کسی ببیند می‌گوید بازیگر باید به سرعت از نقشش بیرون بیاید و به سرعت در نقشش فرو برود، اما برای خودم این اجرا خیلی فرق می‌کرد.»

نمایش در شهرهای مختلف گرفته است این‌طور می‌گوید: «استقبال از نمایش‌ها شگفت‌انگیز بود و یکی از دلایل محبوبیت حاج قاسم بود. ما برای هر شهری به اقتضای فضای یک نمایش را انتخاب و اجرا می‌کردیم. مثلاً برای اجرا در بوشهر قصه‌ای مرتبط با فضای جنوب را انتخاب کردیم که نزدیک به فضای بومی آنجا و برای مردمانش ملموس تر باشد. در فضای کردستان که مسیحی‌ها با مداخله مستقیم حاج قاسم و حشد الشعبی نجات پیدا کردند قصه اسارت دختران و بردن و تجاوز به دخترهای ایزدی، در این استان ملموس تر بود. همه اینها نشان می‌دهد که سردار سلیمانی شخصیت منحصره فردی داشته است و مردم دوستش دارند. نمایش‌های ما از این جهت مورد استقبال قرار می‌گرفت که مستند بود و ساخته و پرداخته